

« چگونه حق همسر و فرزندان را رعایت کنیم »



سبک زندگی قرآنی بر مدار عدالت، احسان و اکرام استوار می باشد، و هرگز هیچ گونه ظلم و ستمی هرچند به اندازه مثال ذره ای را بر نمی تابد. پیامبر(ص) دعوت به مکارم اخلاقی کرده و می کوشد مؤمنان را براساس آن تربیت کند، پس زندگی قرآنی بر مدار اکرام و در مرتبه نازلتری بر مدار احسان و در مرتبه پایین تر در مرتبه عدالت خواهد بود.

باید توجه داشت خانواده هسته نخستین تشکیل ساختمان جامعه به شمار می رود و عواملی چون عشق و محبت و عاطفه را در وجود انسان ها ریشه دار می نماید. با رعایت موازین و ارزش های اسلامی، زندگی خانوادگی شکوفا می گردد و آیین اسلام حقوقی برای اعضای آن به وجود می آورد که با مراعات و اجرای آن، صفا و صمیمیت چون چشمه ای جوشان در خانواده جاری می گردد.

نکته کلیدی: « معاشرت بر پایه قاعده طلایی »

خداوند در آیه 19 سوره نساء درباره معاشرت خانوادگی می فرماید: عاشرو هن بالمعروف فان کرهنمو هن فعیسی ان تکر هوا شیئا و یجعل الله فیه خیرا کثیرا؛ با زنان به شایستگی رفتار کنید و اگر به جهتی از آنها خوشتان نمی آید، چه بسا چیزهایی که ناپسند شماست، در حالی که خداوند در آن، خیر فراوانی برای شما قرار داده است. رفتار بر پایه معروف و پسندیده به معنای رفتار بر پایه همه خوبی ها، خیرات و فضایی خواهد بود که عقل و عرف و شرع آن را پسندیده می شمارند. براساس قاعده طلایی « هر چه برای خود می پسندی برای دیگران بپسند » انسان

می بایست بهترین ها را برای دیگران بخواهد، آن طور که دوست دارد دیگران نیز چنین رویه و رفتاری را با او در پیش گیرند.

شخصی نزد پیامبر(ص) آمد تا عملی را بیاموزد که بدان خود را همواره مورد سنجش قرار دهد و بتواند نسبت خود را با خدا و بهشت ارزیابی کند. در روایت آمده است: شخصی از پیامبر اسلام پرسید: «ای فرستاده خدا! کاری به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله ای نباشد».

پیامبر فرمود: «عصبانی مشو و از مردم چیزی طلب مکن و آنچه را برای خود می پسندی برای مردم نیز همان را بپسند» (امالی طوسی، ص 507؛ مستدرک الوسائل، ج 7، ص 222؛ بحار الانوار، ج 27، ص 72 و ج 47، ص 47، ص 125)

همچنین آن حضرت در نصیحتی به علی بن ابی طالب(ع) فرمود: ای علی! هر چه برای خود نمی پسندی برای دیگران مپسند و آنچه برای خود می خواهی برای دیگران هم بخواه؛ در این صورت در قضاوت خویش دادگر و در دادگری ات یکسان نگر خواهی بود و اهل آسمان تو را دوست خواهند داشت و در سینه اهل زمین به محبت جای خواهی گرفت. این سفارش مرا به خواست خدا به خاطر بسیار و بر آن محافظت نما. (تحف العقول 7 ص 113؛ بحار الانوار، ج 47، ص 8).

امام علی (ع) نیز می فرماید: خودت را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه که برای خود دوست می داری، برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم مپسند (نهج البلاغه، نامه 31). براین اساس اگر شخص در جامعه و در تعاملات و معاشرت عمومی با مردم باید مراعات این قاعده طلایی را بکند، به طریق اولی باید در تعاملات و معاشرت خانوادگی این اصل را مراعات نماید.



از جمله حقوق خانواده و آموزه های دینی که موجب سعادت و استحکام بنای خانواده می گردد را می توان به شرح زیر بیان نمود:

مراعات انصاف و احسان با خانواده

انصاف به معنای نصف و نیمه کردن، به این معناست که در کارها به گونه ای رفتار کنیم که همواره کفه ترازو در حالت اعتدال باشد و کفه ای سنگین تر نباشد. بنابراین در هر کاری که انجام می شود، انسان ضرر و زیان را مساوی میان خود و شریک تقسیم کند و کاری نکند که به او بی انصافی شود و کفه اش سنگین تر باشد.

وقتی انسان براساس اصل عدالت عمل می کند مقابله به مثل می کند و بدی را با بدی و نیکی را با نیکی پاسخ می دهد (بقره، آیه 194؛ یونس، آیه 27؛ نحل، آیه 126)؛ اما وقتی براساس انصاف رفتار می کند، بر آن است تا مطابق قاعده طلایی رفتار کند و خود را در وضعیت دیگری قرار می دهد و می گوید اگر خودم در جایگاه او بودم دوست داشتم چگونه بامن تعامل کنند؟ در این زمان است که دوست می دارد که انصاف از در احسان صورت گیرد و فراتر از مقام عقل و عدل، از مقام قلب و عاطفه انسانی با او رفتار شود. این همان باب انصاف است که هر کسی دوست دارد با او چنین رفتار شود.

امیر مؤمنان امام علی(ع) می فرماید: خودت و خانواده ات و نزدیکانت و کسانی که به آنان علاقه داری، با مردم منصفانه رفتار کنید و با دوست و دشمن به عدالت رفتار نمایید. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص 394).

پس در تعاملات خانوادگی باید به طریق اولی اصل انصاف مراعات شود؛ زیرا بنیاد خانواده بر محبت، مودت، مهر و رحمت است که به حوزه قلب و عواطف ارتباط دارد تا آرامش و سکونت در خانواده حاکم شود و روابط خانوادگی گرم و صمیمی گردد؛ چرا که انصاف تعامل مبتنی بر نوعی احسان و ایثار و از خودگذشتگی است تا کمتر ضرر و زیانی متوجه طرف مقابل شود که حتی ممکن است خطاکار باشد.

خداوند در بیان مبانی، اصول و اهداف تشکیل خانواده می فرماید: از نشانه های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا به وسیله آنها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است. (روم، آیه 21).

امام سجاد(ع) در تبیین حقوق زن به این اصول و اهداف اشاره کرده و می فرماید: حق زن آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده است، همچنین بر هر یک از شما واجب است که خداوند را به خاطر وجود دیگری ستایش کند و بداند که او نعمتی است که خداوند ارزانی داشته و واجب است که با نعمت خداوندی رفتار نیک داشته باشد و او را گرامی بدارد و با او سازگاری کند.... (تحف العقول، ص 261).

اکرام؛ نهایت عمل پسندیده

در آموزه های قرآنی از اکرام به عنوان برترین فضیلت یاد شده است که تنها کسانی به این مقام می رسند که در مرتبه تقوای اخص باشند.

بر اساس آیه 8 سوره مائده عدالت مرتبه اول تقوای الهی است که از آن به تقوای عام یاد می شود. از این رو خداوند در این آیه فرمان می دهد که عدالت را مراعات کنید که آن نزدیک ترین رویه در رسیدن به تقوایی است که ما از آن به تقوای عام یاد می کنیم. خداوند می فرماید: اعدلو هو اقرب للتقوی؛ عدالت ورزید که آن نزدیک تر، به تقواست.

اما در آیه 237 سوره بقره، احسان در قالب عفو را مرتبه دوم تقوای الهی می داند که همان مرتبه تقوای خاص است. خداوند این مرتبه را نیز اقرب به تقوای الهی معرفی کرده و می فرماید: و ان تعفوا اقرب للتقوی؛ و این که عفو کنید که به تقوای الهی نزدیک تر است. در احسان نه تنها بدی را با بدی جواب نمی دهد بلکه از بدی او می گذرد و عفو می کند.

اما اوج مراتب تقوا را کسی داراست که اهل اکرام باشد؛ چنین شخصی نه تنها عفو می کند، بلکه پاسخ بدی را با انواع خیرات و نیکی ها می دهد؛ چنانکه امام حسن(ع) در برابر مرد شامی که دشنام داد عمل کرد و نه تنها مقابله به مثل بر اساس عدالت نکرد، بلکه بر اساس قاعده احسان، عفو کرد و بر اساس قاعده اکرام او را مهمان خود نمود. خداوند در آیه 27 سوره فرقان درباره عبادالرحمن می فرماید: و اذا مرو باللغو مروا کراما؛ و چون بر کار لغو و بیهوده ای بگذرند با کرامت و بزرگواری می گذرند.

بنا بر این، مومن می بایست در رفتار خانوادگی فراتر از عدالت و احسان بر مدار اکرام رفتار کند. از این رو امام باقر(ع) می فرماید: ان اکرمکم عندالله اشکم اکراما لحلائلهم؛ گرامی ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشتر به همسر خود اکرام کند و احترام بگذارد. (وسائل الشیعه، ج 15، ص 58، ح 6).

مسئولیت متقابل همسران در قبال یکدیگر

در آیات و روایات به تکالیف و مسئولیت های متقابل همسران در کنار حقوق آنان پرداخته شده است. البته هر تکلیفی برای همسری، حقی برای او ایجاد می کند؛ زیرا در باطن هر حقی تکلیفی و در باطن هر تکلیفی حقی نهفته است. پیامبر(ص) درباره مسئولیت های متقابل همسران می فرماید: مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می شود و زن، سرپرست خانه شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می شود. (صحیح بخاری، ج 3، ص 125).

انجام مسئولیت های متقابل زمینه ساز بهره مندی از بهشت و برکاتی از جمله شفاعت در روز قیامت است. پیامبر(ص) می فرماید: ایما امرأه ماتت و زوجها عنها راض دخلت الجنة؛ هر زنی، از دنیا برود و شوهرش از او راضی باشد، به بهشت می رود. (نهج الفصاحه، ح 1022) امام باقر(ع) نیز می فرماید: لا شفیع للمراه انجح عند ربها من رضا زوجها؛ هیچ شفاعت کننده ای برای زن نزد پروردگارش نجات بخش تر از رضایت شوهرش نیست. (خصال، صدوق، ص 588).

رضایت مندی از یکدیگر

زن و شوهر باید کاری کنند که هر دو از یکدیگر راضی باشند. امام علی(ع) درباره رفتار و سیره خود و فاطمه(س) می فرماید: به خدا سوگند که هرگز بر فاطمه (س) غضب نکردم و او را به کاری مجبور نساختم، تا آنکه خداوند عزوجل او را به نزد خویش برد و او نیز مرا خشمگین نساخت و هرگز برخلاف خواست من عمل نکرد و من هرگاه به او نگاه می کردم، غصه ها و اندوه هایم برطرف می شد (کشف الغمه، ج 1، ص 363).

پیامبر(ص) می فرماید: هر زنی که شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب ها عبادت کند و بنده ها آزاد نماید و مال ها در راه خدا انفاق کند، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی پذیرد، تا آنگاه که به شوهرش کمک کند و او را از خود راضی کند وگرنه آن زن اولین کسی است که به جهنم می رود. سپس فرمودند: مرد هم اگر همسر خود را اذیت کند یا به او ظلم نماید، چنین گناه و عذابی خواهد داشت. (ثواب الاعمال، ص 335، ح 1).

البته انسان به طور طبیعی هنگام خطا و گناه خشم می گیرد ولی باید خود را مهار و مدیریت کند و دیرخشم و زودخشنود باشد. پیامبر(ص) می فرماید: بدانید که بهترین انسان ها کسانی هستند که دیر به خشم آیند و زود راضی شوند و بدترین انسان ها کسانی هستند که زود به خشم آیند و دیر راضی شوند. (نهج الفصاحه، ح 469).

در این صورت است که مورد رضایت خداوند قرار می گیرند و شرایط زندگی آنان بهبود می یابد؛ چنانکه پیامبر(ص) در جایی دیگر می فرماید: هرگاه خداوند برای خانواده ای خیر بخواهد، آنان را در دین دانا می کند، کوچکترها بزرگترهایشان را احترام می نمایند، مدارا در زندگی و میانه روی در خرج کردن را روزی شان می نماید و به عیوبشان آگاهشان می سازد، تا آنها را برطرف کنند و اگر برای آنان جز این بخواهد، به خودشان واگذارشان می کند. (نهج الفصاحه، ح 147)

هم سفره ای و هم غذایی

برخی از کارها و اعمال با آنکه ساده است ولی عامل تقویت ارتباطات و تحکیم روابط خانوادگی می شود. از جمله این امور نشستن در کنار هم و خوردن غذا است. پیامبر(ص) برای همین بر این امور تاکید داشته و می فرماید: خداوند، مومن و خانواده و فرزندان را دوست دارد. محبوب ترین چیز نزد خداوند آن است که مرد را با زن و فرزندان بر سفره ای ببیند که از آن غذا می خورند. پس در آن هنگام که بر سفره گرد آیند، به آنها نگاهی مهربانانه می کند و آنها را پیش از آنکه از جای خود متفرق شوند، می آمرزد. (تنبيه الغافلین، ص 343، ح 498).

پیامبر(ص) همچنین می فرماید که مرد می بایست غذایی که همسرش دوست دارد بخواد و آن را میل کند تا این گونه صفا و صمیمیت میان آنان افزایش یابد. ایشان می فرماید: المومن یاکل بشهوه اهله، المناقق یاکل اهله بشهوته؛ انسان با ایمان مطابق میل و رغبت خانواده اش غذا می خورد، ولی منافق میل و رغبت خود را به خانواده اش تحمیل می کند. (کافی، ج 4، ص 12، ح 6).

اجتناب از بگومگو

جدال و مجادله حتی اگر حق باشد موجب کدورت و تیرگی روابط می شود. از این رو در خانواده بایست از هرگونه جدال و مجادله اجتناب کرد.

امام هادی(ع) می فرماید: بگو مگو، دوستی طولانی را از بین می برد و رابطه محکم را به جدایی می کشاند و کمترین اثر بگومگو این است که هر کدام از دو طرف، می خواهد بر دیگری پیروز شود و همین در پی پیروزی بودن، مهم ترین عامل قطع رابطه است. (نزهة الناظر، ص 139، ح 11).

جدال، ریشه در بدخویی دارد که باید آن را ترک کرد، زیرا این گونه رفتارها زندگی را سخت و آرامش را سلب می کند. امام علی(ع) می فرماید: سه چیز است که هر کس داشته باشد، زندگی بر او شیرین نیست: کینه، حسد و بداخلاقی. (غرر الحکم، ح 4663).

اکرام نسبت به والدین و فرزندان

همان طوری که نسبت به همسر به ویژه زن باید اکرام روا داشت، نسبت به والدین و فرزندان نیز باید براساس اکرام رفتار و معاشرت داشت. خداوند در آیات قرآن بر احسان و اکرام والدین تاکید بسیار می کند. (بقره، آیه 63؛ نساء آیه 36، انعام، آیه 151؛ اسراء، آیه 23).

امام سجاد(ع) در تبیین حقوق فرزندان می فرماید: حق فرزند تو آن است که بدانی او از توست و در این جهان در نیک و بد خویش وابسته به توست و با تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق او مسئول هستی و براساس این مسئولیت پاداش می گیری و کیفر می بینی، پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر خویش آراسته می کند و تو به سبب حسن رابطه میان خود و او سرپرستی خوبی که از او کرده ای و نتیجه الهی که از او گرفته ای، نزد پروردگار خویش معذور باشی و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست. (تحف العقول، ص 263).

حسن رفتار در خانواده

خانواده کانونی است که هر چه با صفا و گرم تر باشد، زندگی شیرین تر و توفیقات انسان بیشتر خواهد شد. از این رو امام رضا(ع) در اشاره به اهمیت این کانون، به بیان برخی از عواملی که در صفا و گرما بخشیدن به کانون خانواده مؤثر است، می پردازند. آن حضرت در سخنی نورانی از قول رسول خدا، هم به حسن رفتار در خانواده توصیه کرده و هم از نوع رفتار ایشان با همسرشان خبر داده و می فرماید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الْأَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الْأَطْفُكُمْ بِأَهْلِي؛ (عیون اخبار الرضا: ج 2، ص 38) رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که ایمانش برتر از دیگران است، اخلاقش نیکوتر و به خانواده اش مهربان تر است و من نسبت به خانواده خود، مهربان ترم.

ایشان در فرمایش دیگری از قول رسول خدا (ص) می فرمایند: أَفْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ (عیون اخبار الرضا: ج 2، ص 38) نزدیک ترین شما به من در روز قیامت کسی است که خوش خلق تر باشد و برای خانواده خود بهترین باشد.

بنابراین یکی از اصول اولیه که لازم است هر مسلمان به کار گیرد، خوش خلقی در جامعه و مهربانی و رأفت با خانواده است.

بلند نکردن صدا در خانه

در شرح احوال و زندگی امام رضا از قول کنیزی که در خدمت امام بودند نوشته اند: با تشریف امام رضا (ع) به خطه خراسان، مامون من را برای خدمت گزاری به ایشان بخشید. خانه امام بسیار ساده بود. در این خانه خبری از

امکانات رنگارنگ کاخ نبود. من که به دنیا خو گرفته بودم، تحمل ساده زیستی امام برایم دشوار بود، اما معنویت بسیاری در این خانه نصیب شد. امام رضا (ع) زنی را برای تربیت ما گماشته بودند که شب‌ها ما را برای راز و نیاز از خواب بیدار می‌کرد. خوب به یاد دارم که در خانه امام رضا (ع)، هیچ فردی حتی بزرگان اجازه نداشتند، داد بزنند یا صدایشان را بلند کنند. خود امام نیز همواره با مردم به نرمی و آهستگی و شمرده، سخن می‌گفت.

احترام به کودک

همچنین از قول کاتب ویژه دربار عباسیان می‌خوانیم: وقتی امام رضا (ع) به خطه خراسان آمدند وزیر خلیفه، من را مامور کرد که در خدمت حضرت باشم. نامه نویسی حضرت شده بودم. عرب‌ها غیر از نام، کنیه هم دارند. آن‌ها وقتی می‌خواهند به فردی احترام بگذارند، او را با نام صدا نمی‌کنند بلکه با کنیه خطاب می‌کنند. برای من جالب بود که آن حضرت، هیچ‌گاه نام فرزندش «محمد» را نمی‌برد، مگر با کنیه، به طور مثال می‌فرمودند: «ابوجعفر، برایم نامه نوشته است.» این گونه احترام گذاشتن، معمولاً در خانواده‌های آن زمان مرسوم نبود، اما امام با کمال احترام از فرزندشان یاد می‌کردند. این تکریم وقتی برایم بیشتر نمایان و جذاب شد که دانستم فرزند ایشان، هنوز کودک هستند ولی امام با کمال احترام از او در نامه‌ها یاد می‌کردند.

معیار هزینه کردن در زندگی

شخص می‌گوید درباره معیار هزینه کردن درآمدم در خانواده، از امام رضا (ع) پرسیدم. امام (ع) فرمودند: «راه میانه، راهی است میان ۲ روش ناپسند.» منظور امام را متوجه نشدم. پرسیدم: «فدایت شوم، من آن دو روش ناپسند را نمی‌دانم. منظورتان چیست؟» حضرت فرمود: آری می‌دانم. خدا تو را رحمت کند. آیا نمی‌دانی خداوند از اسراف کاری و سخت‌گیری بیزاری جسته و فرموده است: «آنان که انفاق می‌کنند، نه اسراف می‌ورزند و نه تنگ می‌گیرند بلکه راهی میانه در پیش می‌گیرند (سوره فرقان، آیه ۶۷) یعنی نه افراط و نه تفریط»



کاری از علیرضا حیدری
پایه هفتم مدرسه هدایت میزان